

فهرست‌ها

* فهرست واژگان * فهرست منابع و مآخذ

فهرست واژگان

ارغند: خشمگین و قهرآلود (در فرهنگ‌های فارسی ارغند

را دلبر و شجاع معنی کرده‌اند).

ازارپای چرمین: شلوار چرمین که لباس جماعت اوباش و
ولگردها بوده است.

اژدهاپیکر: در شکل و هیئت اژدها، دارای نقش اژدها،
همچون اژدها هول‌انگیز و ترسناک

اساطیر: جمع اسطوره، افسانه‌ها و داستان‌های خدایان و
پهلوانان ملل قدیم

استشهاد نامه: گواهی‌نامه، استشهاد: طلب شهود برای
گواهی یا اثبات حقی

استنکاف: سر باز زدن

اشباح: جمع شبح ← شبح: سیاهی‌ای که از دور به نظر
رسد.

اشتیاق: میل قلب است به دیدار محبوب؛ در کلام مولانا
کنش روح کمال‌طلب و خداجو در راه شناخت پروردگار

و ادراک حقیقت هستی است.

اصول: علم استنباط احکام فقهی

اعصار: روزگاران، دوره‌ها

اقبال: روی آوردن، نیک بختی، بخت و طالع (مقابل ادبار)

اقویا: قدرت‌مندان

اکسیر: جوهری که ماهیت اجسام را تغییر دهد و کامل‌تر
سازد؛ هر چیز مفید و کمیاب.

آ

آب بردن: آب: روتق و آبرو، آب بردن کنایه از آبروی کسی را
بر باد دادن.

آبزن: حوض کوچک، حوضچه‌ای که از چینی یا آهن و
مانند آن برای شست و شو سازند.

آرمان: آرزو، امید

آرنگ: آرنج

آژنگ: چین و شکنی که به واسطه‌ی خشم به چهره و آبرو و
پیشانی افتد.

آوند: معلق

الف

ابلیس: شیطان، اهریمن

اتراق: (ترکی اوتراق) توقف چند روزه در سفر به جایی

اجابت: برآوردن

اجرا: راندن، روان ساختن، جاری کردن، جیره مقرر کردن
برای کسی

اختر سعد: مشتری است که «سعد اکبر» است.

ادرار: مقرری، مستمری

آرسی: نوعی در قدیمی که عمودی باز و بسته می‌شود.

مجازاً به اتاقی که دارای چنین درهایی بوده، «آرسی»
می‌گفته‌اند.

انطباعات: (جمع انطباع) اداره‌ی نگارش
اورند: اورنگ، تخت، مجازاً فرّ و شکوه، شأن و شوکت
اهل صورت: متشرّعان، کسانی که در ظاهر شریعت مانده‌اند
و به عمق آن دست نیافته‌اند.

اهورا: به لغت اوستا وجود مطلق و هستی بخش، اهورامزدا
اهورایی: منسوب به اهورا

ب

باب‌الطّاق: محله‌ای است بزرگ در بغداد

باجگاه: محلّ اخذ عوارض

بام: بامداد، صبحگاه

بازارگاه: کوچهای سروشیده که از دو سوی، دارای دکان‌ها
باشند. در این‌جا مقصود اهل بازار

بدایت: آغاز، ابتدا

برک: نوعی پارچه از پشم شتر

پرو بر: بربر = با دقت، خیره خیره

پزه: گناه

بشاشت: تازه‌رویی، خوش‌رویی

بلاغت: چیره‌زبانی، زبان‌آوری، بلیغ شدن

بنگ: ماده‌ای مخدر که از شاه‌دانه به دست می‌آید.

بورشدن: شرمنده شدن، خجلت زده شدن

به گمان بودن: تردید داشتن

بهل: بگذار، رها کن

بی‌روزی: بی‌نوا و درویش

بیگاه: دیر

پ

پازه: پاشویه

پای‌مردی: خواهشگری، میانجی‌گری، شفاعت

پای‌مردان دیو: دست‌یاران حکومت، توجیه‌کنندگان

حکومت پیداد

پرده: در اصطلاح موسیقی یعنی آهنگ و نغمه‌های مرتب

پس افکنند: پس افکنده، پس‌افت، میراث

پشت پای: روی پای، سینه‌ی پای

پیچیدگی [در چشم]: مراد احوالی و کج بینی است، کاژ

ت

تازی: عربی، (در این‌جا مقصود اسب عربی است)

تَبْتَلُ: از جهان بریدن، از مردم بریدن

تپش: اضطراب ناشی از گرمی و حرارت

تراویدن: چکیدن، تراوش کردن آب و شراب و امثال آن.

ترنج: بالنگ، از مرکبات

تریاق: پادزهر، ضدّ زهر

تروید = ترویت: ریزه کردن نان در دوغ و آب گوشت و

امثال آن

تعریض: به کنایه سخن گفتن

تعلیمی: عصای سبکی که به دست گیرند.

تفقد: دل‌جویی

تنزیل: فرورستادن، نازل کردن (مقصود قرآن کریم است)

تنعم: تن آسانی، فرو رفتن در ناز و نعمت

توفال: تخته‌های نازک و باریک که به سقف اتاق می‌کوبند و

روی آن کاه‌گل یا گچ می‌کشند.

توسنی: سرکشی، عصیان (صفت اسب)

تهجد: شب بیداری، شب زنده داری

تیز تیز: با خشم

ج

جاذبه: جذب‌کننده، رباینده

جدل: علم یا فنّ مناظره و استدلال

جرگه: گروه، زمره

جلودار: نوکری که عنان اسب را می‌گیرد و پیشاپیش پیاده

می‌رود.

جولان: گردیدن، دور زدن

جلی: آشکار، روشن

چ

چاروادار: چهاروادار، چهارپادار، کسی که حیوانات بارکش

را می‌راند یا با آن‌ها باربری می‌کند.

چغز: قورباغه

چوک: مرغی است مانند جغد که خود را از درخت آویزان

سازد و فریاد کند؛ شباوز، مرغ حق

چینه: دیوار گلی

جاذبه

دخمه: سردابه‌ای که مردگان را در آن نهند؛ گورستان

زردشتیان

دُرّاعه: جامه‌ی دراز که مرد و زن از رو پوشند؛ جبه

در جوشیدن: آشوب کردن

درزه: بسته

درفش کاویان [اختر کاویان]: درفش ملی ایران در عهد

ساسانی

دروغ: صورتی نادر از کلمه‌ی دوزخ

دیو زگی: بی‌نواهی، گدایی

دژم: خشمگین

دستگاه: قدرت، ثروت، شوکت، دولت

دستور: اجازه، راهنما، وزیر

دشت: دست‌لاف، پیش مزد، فروش اول هر کاسب

دوگان: دودو، دوتا دوتا

دولاب: نوعی چرخ آب‌کنس

دهشت: سرگستگی، حیرت، تعجب، اضطراب، ترس

دیده‌ور: بینا

دیشلمه: چایی که شکر یا قند در آن حل نکرده باشند بلکه قند را

در دهن گذارند و جای را به شیرینی آن خورند؛ قند پهلو

ر

رأی زدن: مشورت کردن

رایت: علم، بیرق

رجم: سنگ‌زدن

رخام: نوعی سنگ مرمر با رگه‌هایی به رنگ قهوه‌ای و

زرد و سبز

رسومات: تشریفات

رعب: ترسیدن، فزع کردن، ترس، بیم

رند: در اصل به معنی مردمان بی سر و پاست ولی در شعر

حافظ، انسان کامل یا ولی خداست.

روستاق: معرّب روستا

ریاضت: تحمل رنج و تعب برای تهذیب نفس

رؤیت: دیدن

ح

حادی: حدی خون، سرود خون

حجاب: برده و در اصطلاح عرفا، موانعی را گویند که میان

عاشق و معشوق باشد و هر چیز که مطلوب را ببوشاند.

حد: مجازات شرعی

حدی: سرود و آوازی که ساریان عرب خوانند تا شتران تیزتر

روند.

حشیش: سرشاخه‌های گل‌دار گیاه شاه‌دانه که آن‌ها را خشک

می‌کنند و پس از آماده‌سازی، می‌جویند یا دود می‌کنند.

حصین: محکم

حیض: نشیب، پستی، (مقابل اوج)

حی: قبیله

خ

خانقاه: محلی که درویشان و مرشدان در آن سکونت می‌کردند

و رسوم و آداب تصوف را اجرا می‌نمودند.

خرقه: در لغت به معنی جامه‌ی ضخیم و چند تکه که اهل تصوف

می‌پوشیدند.

خضاب: آن چه سر و صورت یا پوست را بدان رنگ کنند؛

مانند وسمه، حنا، گلگونه

خواص: زنبیل باف و خوص به معنی لیف خرماست که از آن

سبد می‌بافتند.

خوالیگر: آشپز، طباح

د

دارضیف: مهمان سرا، مهمان خانه

داروغه: نگهبان

داشتن: حفاظت کردن، پاییدن، حرمت کردن، نواختن

دافعه: دفع‌کننده، قوه‌ای که نیروی دیگری را دفع کند، مقابل

ز

زاویه: کنج، گوشه، اتاقی در خانقاه و مانند آن که به خلوت و ریاضت سالکان و فقرا اختصاص دارد.

زخم درای: ضربه‌ی پتک، درای در اصل زنگ کاروان است.

زغن: کلاغ

زلزل: جمع زلزله

زندیق: ملحد، دهری، بی‌دین

زی: لباس و پوشش خاص هر صنف

س

سُبُعیت: درندگی

سپردن: پای مال کردن و زیر پا گذاشتن

ستردن: پاک کردن

ستیه‌ندگی: ستیزندگی، لجاجت

سجستانی: سیستانی، اهل سیستان

سُخره: تمسخر، ریشخند

سرکردن: آغاز کردن

سرگرانی: خودپرستی و غرور

سقله: بست، فرومایه

سَلْمَنّا: پذیرفتیم (در اصطلاح)

سمنند: اسب زرد رنگ

سِن: صحنه‌ی نمایش

سو: دید، توان بینایی

سواد: آبادی، (در متن ناصر خسرو)

سوژت: تندی، تیزی؛ شدت اثر

سیاه چادر: خیمه‌های سیاه رنگ که کولیان و صحرائنشینان

در دشت و صحرا برای سکونت برپا کنند؛ سیاه خانه

ع

ش

عتبات: مشاهد و آرامگاه‌های متبرّکه مانند آرامگاه حضرت علی

(ع) و حضرت امام حسین (ع) و دیگر مزارهای امامان

عَرّاده: وسیله‌ای کوچک‌تر از منجنیق که در جنگ‌های قدیم

برای یرتاب کردن سنگ به کار برده می‌شد؛ به واحد شمارش

توب نیز گفته می‌شود.

شاپاش: شادباش، طلا یا پولی که بر سر عروس یا داماد ریزند.

شاطر: چالاک، چاپک

شامورتی: اصطلاح حقّه‌بازی؛ حقّه‌ی مخصوصی که

حقّه‌بازان با آن عملیات محترّالعقول انجام دهند.

عرایض: جمع عریضه، نامه‌ی شکایت

عشر: نوعی مالیات، معادل $\frac{1}{10}$

عنایت: توجه

عواید: جمع عایده، درآمدها، فواید، منافع

عیار: ابزار سنجش، سنگ محک

عیوق: ستاره‌ای است سرخ رنگ و روشن در کنار راست کهکشان که پس از ثریا طلوع می‌کند و پیش از آن غروب می‌کند. مظهر دوری و روشنائی و بلندی است.

غ

غالیه: از عطریات و مرکب از مواد خوشبو از قبیل مُشک،

عنبر، کافور ... با رنگ سیاه

غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن

غرایب: جمع غریبه. نادر، نو

غریو: بانگ و فریاد، هیاهو

غو: داد و فریاد، خروش

غیرت: حمیت، ناموس پرستی؛ حمیت محب است بر طلب قطع تعلق نظر محبوب از غیر یا تعلق غیر از محبوب.

ف

فاق: چاک زدن، شکاف نوک قلم

فاضل: فاضلاب، آب زاید، باقی مانده‌ی آب

فال: شگون، به زبان یا دل نیک آوردن، پیش‌بینی خوش بینانه (مشهورترین نوع فال زدن با دیوان حافظ صورت می‌گرفته است).

فتوح: حاصل شدن چیزی از آن‌چه توقع نباشد؛ گشایشی که در حال و باطن سالک ایجاد شود؛ مال و نعمتی که درویش یا بیر می‌بخشند چون نذر و مانند آن.

فتنه: آشوب، غوغا (در متن به معنی اختلاف در آرا و عقاید) فتیان: جوان مردان

فر: [فره: خرد] فروغی ایزدی است که به دل هر که بتابد، از همگنان برتری می‌یابد و از پرتو همین فروغ است که شخص به پادشاهی می‌رسد و در کمالات نفسانی و روحانی کامل می‌شود.

فراست: دریافتن باطن چیزی به وسیله‌ی نگریستن به ظاهر

آن، ادراک، زیرکی

فراغت: استراحت و آرامش

فوام: فریم (Frame)، قاب عینک

فسرده: یخ زده، منجمد

فصاحت: درستی و شیوایی؛ سخن روان که با استفاده از لغات و ترکیبات خوش‌آهنگ و رایج و ترکیب‌بندی درست عبارات و جملات مطابق قواعد زبان صورت می‌گیرد.

فقه: علم فروع عملی احکام شرع

فَلَقْ: سپیده دم

فند = بند: مکر و حيله، پرفند: پرحيله، حيله‌گر

ق

قاصدک: گل قاصد، گیاهی است علفی و پایا از تیره‌ی

مرگبان. این گیاه به‌طور خودرو می‌روید.

قُبّه: بنای گنبدی شکل

قتیل: برخی موارد در زبان عربی فعلیل به معنای مفعول است؛ از جمله این‌جا که به معنای مقتول و کشته شده می‌باشد.

قدّاره: قمه؛ نوعی از شمشیر

قدّاره بند: کسی که از قدّاره استفاده می‌کند.

قدوم: باز آمدن، وارد شدن

قَصّه: ماجرا، ماقع

قصور: نقص و کاستی، عیب

قلا کردن: کلک زدن، شیطنت کردن

قلما سنگ: فلاسنگ، فلاخن؛ آلتی که با آن سنگ اندازند.

قُمری: پرنده‌ای از راسته‌ی کبوتران، یا کریم

قو: چوب‌بنه‌ای مانند که در آتش روشن کردن با چخماق استفاده می‌شد.

قهر: غلبه

قوّال: در این‌جا مقصود بازیگر نمایش‌های دوره‌گردی است.

(ر.ک. هفت صندوقی)

ک

کار از دست شدن: کار از کار گذشتن

کافور: ماده‌ی معطر جامدی که از گیاهانی چون ریحان و بابونه و چند نوع درخت به دست می‌آید.

کتیرا: صمغی است که از برخی گونه‌های گون به دست می‌آید. کرامت: در اصل بزرگواری‌ها و در اصطلاح صوفیه امور خارق العاده است که به سبب عنایت خداوندی از صوفی کامل و واصل صادر می‌شود؛ چون اخبار غیبی و اشراف بر ضمائر.

کران: حد، انتها
کشیک چی باشی: (باشی پسوند ترکی به معنی رئیس است) رئیس پاسبانان و قراولان
کما: (کمای): گیاهی است از تیره‌ی چتریان که با آن نوعی آش درست می‌کنند.

کنده: گودال، محل کنده شده که معرب آن خندق است.
کولی: (کاولی، کابلی) طایفه‌ای از مردم بیابان گرد که در اقطار عالم پراکنده‌اند و عادات و رسوم و زبان خاص خود را دارند.

کهریز: کاریز، قنات، مجرای آب زیرزمینی
کهل: کسی که سنش بین سی تا پنجاه سال باشد.

گ
گراور: تصویری که بر روی صفحه‌های فلزی حکاکی شود و در چاپ به کار رود.

گز: نام درختی است که در مناطق گرم می‌روید.
گنج فریدون: نام نوابی در موسیقی و هم گنجی منسوب به فریدون گون: گیاهی است که از صمغ آن کتیرا به دست می‌آید.

ل
لباس راسته: لباس دراز بی چین
لجام: لگام، دهانه، افسار
لنگ و لوک: آن که پا و دستش معیوب باشد؛ مجازاً ضعیف و ناتوان.

لهب: شعله‌ی آتش، زبانه‌ی آتش

م

ماحضر: آن چه حاضر بود؛ خوردنی اندک؛ حاضر:

حاضری

متصوّفه: صوفیان

مجاور بودن: اعتکاف و گوشه نشینی اختیار کردن
مجدوب: جذب شده، کسی است که خدای تعالی او را برای خود برگزیده و پاک گردانیده باشد.

مجلس گفتن: سخن رانی و وعظ در مسجد و خانقاه
محتسب: مأموری که کار وی نظارت بر اجرای احکام دین بود.
محضر: استشهد نامه؛ متنی که ضحاک برای تبرئه‌ی خویش به امضای بزرگان حکومت رسانده بود.

مرفّع: جامه‌ای که از چند تکه دوخته شده باشد. خرقه و پشمینه‌ی صوفیان از این نوع بوده است.
مُرکّبی: پاک کننده؛ آن که شاهدان عادل را به پاکی و پارسایی توصیف کند.

مساعی: (جمع مسعی)، سعی‌ها، کوشش‌ها

مسلسل: در زنجیر شده

مشبک: دارای شبکه، سوراخ سوراخ

مَشْرَعَه: جای نوشیدن آب

معتکف: عزلت نشین، گوشه نشین

مصابیح: جمع مصباح چراغ

مُعَمَّر: سال خورده

مغلول: بسته شده

مقاتلات: (جمع الجمع مقتل)، جنگ جای‌ها

مقام: اقامت

مقرّ: اقرار کننده، تأیید کننده

مُقری: خواننده؛ کسی که قرآن را با لحن و صوت بخواند.

مقهور: مغلوب، شکست خورده

ملاهی: جمع ملهی آلات لهو

ملکت: کشور، مملکت، پادشاهی، سلطنت

مَنْتِشا: مأخوذ از نام شهر «منتشا»؛ عصبی مخصوص از

چوب ستبر و گره دار که درویشان و قلندران با خود دارند.

منش: طبیعت، خو، خصلت

موافقت: همراهی

موجز: سخن کوتاه و رسا

مورب: کج

موزن: وزن ساز، شعرپرداز

مهبجور: دورافتاده

مهمل: بیهوده، بوج

مهین: بزرگ‌ترین، بزرگ

نیلفر: نیلوفر، گیاهی است پیچنده با گل‌هایی شیبور مانند.

و

واضع: وضع کننده، سازنده

وجد: واردی است که از حق تعالی بر دل تغییر دهد و حالاتی

مانند حزن یا شادی همراه آورد.

وَرنايان: صورت قدیم برنایان

وقت: واردی است از خداوند بر دل سالک که او را از

گذشته و آینده، غافل می‌گرداند.

ن

نارنگ: مطلق مرکبات و میوه‌های آن‌ها، نارنج

ناورد: نبرد، جنگ، مبارزه

ناوک: نوعی تیر کوچک که آن‌را در غلاف آهنین گذارند و

از کمان سر دهند تا دورتر رود.

نایزه: لوله

نحس: نامبارک، بداختر

نخل: زنبور عسل

نخل: اصطلاحاً تابوت مانندی است که آن‌را با انواع شال‌ها

و آینه‌ها می‌آرایند و مردم آن‌را در ایام محرم به عنوان

نماد تابوت امام حسین (ع) به حرکت درمی‌آورند و چون

آن‌را می‌آرایند به نخل موسوم گشته است. چنان که

نخل و نخل بندی به معنی آرایش و آرایشگری است.

نخوت: تکبر، خودپرستی

نذور: جمع نذر

نزهتگاه: تفریحگاه

نشست: حالت سرخوشی و مستی

نظر: (اصطلاحی عرفانی)، مدد و عنایت الهی، بصیرت باطن،

فراست

نعت: صفت، خصلت (بیش‌تر در مورد رسول خدا - ص -)

استعمال می‌شود.

نفسه: مفرد نجات، بوی خوش

نفیر: فریاد و زاری به آواز بلند

نماز بردن: تعظیم و نیایش کردن

هـ

هتاکي: برده‌داری، آبروریزی

هرا: آواز مهیب

هَریوه: صفت نسبی منسوب به هرات؛ اهل هرات

هزار: بلبل یا پرنده‌ای از خانواده‌ی بلبل (هزارستان)

هفت صندوقی [دسته‌ی هفت صندوقی]: گروه‌های

نمایشی دوره‌گردی بوده‌اند که با اجرای نمایش‌های روی

حوضی، اسباب سرگرمی و خنده‌ی مردم را فراهم

می‌کردند. این گروه‌ها وسایل و ابزار خود را در

صندوق‌هایی می‌نهادند. بر جاذبه‌ترین و کامل‌ترین

گروه‌های بودند که هفت صندوق داشته‌اند. به هر

یک از بازیگران گروه نیز «قوال» یا «قوالک»

می‌گفته‌اند.

همت: در اصطلاح صوفیه توجه طالب است با تمام قوای

روحانی خود به جانب حق برای حصول کمال برای

خود یا دیگری.

هول: ترس، ترسناک

هیون: اسب و شتر بزرگ

ی

یکایک: ناگهان

فهرست منابع و مآخذ

- آثار اهل قلم، حمید گروگان، انتشارات مدرسه، (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی کتب درسی)، تهران، ۱۳۶۹
- آن سوی حرف و صوت، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن، تهران، زمستان ۷۳، چاپ اول
از صبا تا نیما (۲ج)، یحیی آرین‌پور، سازمان کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۰
- اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید (۲جلد)، محمدبن منور، به تصحیح و اهتمام دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، علمی، ۱۳۶۸
- امثال و حکم، علی‌اکبر دهخدا، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۲ (چهار جلد)
- انواع ادبی و شعر فارسی، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، مجله‌ی خرد و کوشش، و رشد ادب فارسی، ش ۳۲، ۳۳
- انواع ادبی، دکتر حسین رزمجو، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰
- انواع ادبی در شعر فارسی، دکتر منصور رستگار فسایی، انتشارات نوید، شیراز، ۱۳۷۲
- انواع ادبی، دکتر سیروس شمیسا، انتشارات دانشگاه پیام نور
- اورازان، جلال آل‌احمد، تهران، رواق
- برگزیده‌ی مقاله‌های نشر دانش (۳) درباره‌ی ترجمه، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۶
- بوستان سعدی، به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۸
- بله پله تا ملاقات خدا، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۰
- تاریخ ادبیات ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، تهران، انتشارات ابن سینا، دانشگاه تهران و فردوسی، ۱۳۶۳-۱۳۴۲ (پنج جلد)
- تاریخ ادبیات معاصر، محمدرضا سنگری، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، ۱۳۷۵ (برای مراکز تربیت معلم)
- تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی، به تصحیح دکتر علی‌اکبر فیاض، چاپ دوم ۱۳۵۶ مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، شماره ۵۵
- تذکره‌الاولیا، عطار نیشابوری، به اهتمام دکتر محمد استعلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۰
- تفسیر سوره‌آبادی، ابوبکر عتیق سوره‌آبادی، مؤسسه‌ی مطالعات علمی و فرهنگی
- چشمه‌ی روشن، دکتر غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۶۹
- حافظ‌نامه‌ی بهاء‌الدین خرمشاهی، دو جلد، انتشارات علمی و فرهنگی و سروش، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶
- حماسه‌ سرایی در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹
- خدمات متقابل اسلام و ایران، استاد مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا
- خمسه‌ی نظامی، حکیم نظامی گنجوی، به کوشش وحید دستگردی، انتشارات مطبوعاتی علمی، [بی‌تا]
- دایرة‌المعارف فارسی، دکتر غلامحسین مصاحب، (۲ جلد) تهران، فرانکلین، ۱۳۵۶-۱۳۴۵
- دیداری با اهل قلم، دکتر غلامحسین یوسفی، (۲ جلد) انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۵۹
- دریای گوهر، دکتر مهدی حمیدی، (۲ جلد) تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۲
- دیوان امام خمینی، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی، سال ۱۳۷۰

- دیوان پروین اعتصامی، مقدمه و تنظیم شرح و لغات، شهرام رجب زاده، چاپ دوم، تهران، قدیانی، ۱۳۷۳
- دیوان ایرج میرزا، به کوشش محمدجعفر محجوب، تهران
- دیوان حافظ شیرازی، به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران، زوار، چاپ ششم، ۱۳۶۹
- دیوان حکیم سنایی، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، ۱۳۳۶، امیرکبیر
- دیوان عبدالقادر بیدل دهلوی، به تصحیح حسین آهی، انتشارات فروغی، ۱۳۶۶، تهران
- دیوان ملک الشعرای بهار (۲ جلد) به کوشش محمد ملک زاده، تهران، ۱۳۳۵
- دیوان منوچهری دامغانی، به تصحیح دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی، زوار، تهران، ۱۳۶۳
- روزها، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، انتشارات یزدان، ۱۳۷۰
- سرگذشت زندگانی من، عبدالله مستوفی (۳ ج)، تهران، انتشارات زوار
- سفرنامه ناصرخسرو قبادیانی، تهران، زوار، ۱۳۵۶
- شاهنامه‌ی فردوسی، تحت نظری. ا. برتلس، مسکو، ۱۹۶۳ (هشت جلد)
- شعر امروز، ساعد باقری، محمدرضا محمدی نیکو، انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران، ۱۳۷۲، چاپ اول
- شلوارهای وصله دار، رسول پرویزی، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۵۷
- صحیفه‌ی سجّادیه، ترجمه‌ی جواد فاضل
- صور خیال در شعر فارسی، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۷
- فارسی عمومی، دکتر سیدمحمد دامادی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰
- فرهنگ فارسی معین، دکتر محمد معین (شش جلد)، تهران، امیرکبیر
- فرهنگ نام‌های شاهنامه، دکتر منصور رستگار فسایی (دو جلد)، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰
- قصه، داستان کوتاه، رُمان، جمال میرصادقی، تهران، آگاه، ۱۳۶۰
- کشف المحجوب، علی بن عثمان هجویری، به تصحیح د. ژوکوفسکی با مقدمه‌ی دکتر قاسم انصاری، چاپ اول، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۵۸
- کلیات سعدی به اهتمام محمدعلی فروغی، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲
- کویر، دکتر علی شریعتی، شرکت انتشار، تهران، ۱۳۴۹
- گزیده‌ی غزلیات شمس، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سازمان کتاب‌های جیبی، چاپ چهارم، ۱۳۶۲
- گزینه‌ی اشعار مهدی اخوان ثالث (م. امید) تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۶۹
- لغت‌نامه‌ی دهخدا، علامه‌ی دهخدا، تهران. مؤسسه‌ی لغت‌نامه‌ی دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران
- مثنوی معنوی، مولانا جلال‌الدین رومی، به تصحیح رینولد نیکلسون، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ (چهار جلد)
- مجموعه‌ی مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۲
- نهج البلاغه، ترجمه‌ی دکتر سیدجعفر شهیدی، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰
- هشت کتاب، سهراب سپهری، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۸، تهران
- یادنامه‌ی علامه‌ی طباطبایی، انتشارات شفق، قم، ۱۳۶۱

